



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



اختصار و ترجمه: غوث جانباز

۲۰۲۱/۱۱/۲۸

جمهوریت مجازی افغانستان

این نوشته در باره آن است که چگونه یک دولت تمام عیار به فعالیت خویش صرف در سفارتخانه ها ادامه میدهد. مقدمه

وقتی به تاریخ ۱۵ اگست نیرو های تحریک تروریستی طالبان بدون آنکه در برابر خود کدام مقاومتی را ببینند داخل کابل شدند و امارت اسلامی را اعلام داشتند، جمهوری اسلامی افغانستان که از طرف تمام جامعه بین المللی به رسمیت شناخته شده، اما نگریدید. این جمهوری کماکان به حیات خویش در خارج از کشور در سفارت خانه های متعدد ادامه داد.

بالای این تعمیر (سفارت افغانستان)، مثل گذشته پرچم نظام برافراشته است، که در کابل امروزی مورد حرمت طالبان نیست. در سفارت خانه ها دیپلماتانی کار می کنند که اگر پوست کنده گفته شود، هیچگونه تمایلی به طالبان ندارند.

در این نوشتار ما سعی کردیم این تضاد دیپلماتیک را بررسی نمائیم و آنرا با واقعات مشابه در گستره تاریخ روابط بین المللی مقایسه کنیم.

کاخ که به تصرف طالبان نیامد

یکی از کارمندان عمارت شماره ۴۲ واقع کوچه «پاورسکایا» مسکو (مراد سفارت افغانستان است) به خبرنگار ما حکایت می کرد:

«وقتی طالبان کابل را گرفتند، در اطراف عمارت سفارت جمع کثیری از خبرنگاران با کمره ها و مایکروفون ها گرد آمده بودند. من به بالکن برآمدم، خبرنگاران فوراً دوربین های کمره ها و مایکروفون های شانرا به طرف من دور دادند. آنها از من خواستند در باره اوضاع جاری در افغانستان تبصره ای داشته باشم، و پیوسته اسم و اینکه در سفارت چه کاره استم می پرسیدند... لیکن من به آنها کوتاه گفتم: «لطفاً بروید پس کارتان، ما مثل سابق به کار خود ادامه می دهیم.»

این کاخ (عمارت سفارت افغانستان) در سال ۱۹۰۳ میلادی اعمار گردیده و در سال ۱۹۰۸ تاجری به نام «ماتفی پانیزوفسکی» آنرا خریداری نموده و معماری آنرا از سبک «مدرن» معمول در آن زمان به سبک «نیوکلاسیک» تغییر داد. در سال ۱۹۲۲، سفارت افغانستان، نخستین کشور که استقلال روسیه شوروی را به رسمیت شناخت، در همین تعمیر جابجا گردید.

از آن زمان به بعد حاکمیت در افغانستان چند بار تغییر یافت. دلچسپ تر آنکه از سال ۱۹۹۶ الی ۲۰۰۱ کابل در قبضه همین گروه طالبان قرار داشت. آنگاه طالبان هنوز جوان بود، و شهرت زیادی در جهان نداشت. طالبان به عمارت شماره ۴۲ در کوچه «پاورسکایا» در آن دوره حاکمیت خویش راه نیافتند.

اما اوضاع کنونی تفاوت قابل ملاحظه از حاکمیت قبلی طالبان دارد.

در این میان، سید طیب جواد، سفیر بر حال افغانستان در مسکو عملاً (de facto) از نظام نمایندگی می کند که وجود ندارد.

آقای سفیر جواد در صحبتی که با «کامیرسانت» داشت، گفت:

«زندگی عادی ما برهم خورد، مجبور شدیم در کمیت کارمندان کاهش قابل ملاحظه بیآوریم، و در آینده نیز وادار خواهیم شد به علت نبود منابع مالی این پروسه را ادامه دهیم. در عین حال، برای ما مهم است تا یک تعداد کارمندان که به آنها ضرورت شدید محسوس است، در سفارت نگهداشته شوند، تا خدمات قنسولی و دیپلماتیک هم به اتباع افغانستان و هم به سایر جوانب ذیعلاقه ارایه شده بتواند. وقتی از روی مجبوریت تصمیم برکناری کسی را از جمله کارمندان محلی اتخاذ می نمایم، جداً احساس ناراحتی می کنم. اکثر این کارمندان سالیان متمادی با سفارت همکاری داشته اند. برکناری آنها، آنها در شرایط کورونائی و دشواریهای اقتصادی کنونی برای ما کار آسان نیست.»

دیپلماتان ما، در حالیکه ماه هاست معاش به دست نیاورده اند، و با آنکه در یک نوع سردرگمی و بی سرنوشتی به سر می برند، از آینده خویش نگران بوده و عملاً مأیوس شده اند؛ لیکن مثل سابق به وظایف شان می رسند.»
به قول سفیر، قبلاً مصارف سفارت ربعوار از مرکز پوشش میگردید، لیکن اینک سفارت به علل مشهود، طی دو ربع هیچ گونه تمویل مالی از طرف وزارت خارجه افغانستان نشده است. عواید قنصلی قابل ملاحظه نبوده، و دیاسپورای (جامعه) افغانی روسیه نیز کدام حمایت مالی از سفارت مبدول نمی دارد.

به گفته آقای سفیر، تقریباً همه ۶۲ سفارتخانه و نمایندگی های سیاسی افغانستان در خارج از کشور در وضعیت مشابه قرار دارند. با اینهمه، تا اکنون، هیچ یک از نمایندگی های سیاسی افغانستان در کنترول «ط» قرار نداشته و هیچگونه تماسی هم با آن ندارد. همه سفارتخانه ها و نمایندگیهای سیاسی افغانستان مقیم خارج مشترکاً فیصله به عمل آورده اند تا به ارایه خدمات و سایر کمک ها به اتباع افغانستان و دیاسپورای افغان ادامه دهند؛ و از مساعی سازمان های بین المللی و دیپلماتان بخاطر جلوگیری از بروز فاجعه بشری در افغانستان حمایت می کند.
آقای سفیر سید طیب جواد، به جواب این سؤال که آیا سفارت کمافی السابق از حنیف اتمر، وزیر امور خارجه افغانستان اطاعت می نماید، جواب غیر مترقبه ارایه داشت:

«افغانستان یک حکومت در حال تبعید ندارد، ما به هیچ یک از حکومت ها گزار شده نیستیم. بدیهی است که این وضعیت برای دیپلماتان عادی نیست. لیکن سرفراء و دیپلماتان ارشد با یک دیگر در تماس بوده و کوشش می شود تا برنامه ها و تشریک مساعی برای دسترسی به هدف مشترک، یعنی خدمتگذاری به مردم افغانستان، تا زمانیکه امکان میسر باشد، در هماهنگی قرار داشته باشد.»

با اینهمه، سفارت افغانستان در مسکو که از حاکمان کنونی افغانستان نمایندگی نمی کند، به تماسهای خویش با وزارت امور خارجه روسیه و نمایندگی های کورد دیپلماتیک مقیم روسیه ادامه می دهد.
سفیر در این مورد معلومات ذیل را ارایه داشت:

«بدون شک، ما با وزارت خارجه روسیه همکاری داریم، و از حمایت معنوی آن سپاسگذاریم. ما به همکاران روسی خویش خاطر نشان ساخته ایم، به مجرد آنکه به خدمات ما دیگر نیاز نباشد، ما بلافاصله به فعالیت خویش خاتمه می دهیم. وزارت خارجه روسیه به ما اطمینان داده که موضوع به رسمیت شناختن «ط» (به حیث یک حکومت مشروع افغانستان) در حال حاضر در آجندا قرار ندارد. این به آن معناست که وزارت علاقمند است تا ما به کار خویش ادامه دهیم. ما ملاقات های منظم انجام می دهیم.»
وزارت امور خارجه فدراسیون روسیه در باره آنکه آیا مقامات رسمی روسیه با حنیف اتمر، وزیر خارجه اسبق افغانستان تماس دارد یا خیر، نخواست تبصره داشته باشد.

در صفحه ای انستگرام سفیر سید طیب جواد می توان مشاهده نمود که او: چندی قبل در ضیافتی در سفارت انگلستان اشتراک نموده، پولاد بلبل اوغلی، همتای آذربایجانی خود را را به مناسبت سالگرد پیروزی آن کشور در جنگ دوم قره باغ مبارکباد گفته، و اینکه سفیر جواد عضویت شورای سرپرستی انجمن بین المللی توسعه اقتصادی (IAED) را کسب کرده است.

پارادوکس ویژه

وضعیتی که یک سفارتخانه به حکومتی متبوع اش جوابده نمی باشد، دلچسپ به نظر می رسد.
طالبان تا اکنون مقررات خود شان را راجع به چگونگی ورود خارجیها به افغانستان وضع ننموده اند، بنابراین ویژه های را که سفارتخانه های افغانستان صادر می کنند (چه قبل از سقوط و چه هم بعد از آن) به رسمیت می شناسند.
یکی از دیپلماتان افغان، در یکی از جمهوریت های اسبق شوروی به ما گفت:
«من مثل سابق به صدور ویژه ادامه میدهم، و کسی تا هنوز در این رابطه شکایت نداشته است. در واقعیت، اصدار ویژه، در حال حاضر از معدود فعالیت های است که سفارت خانه های افغانستان می توانند به طور کامل انجام دهند.» به قول همین دیپلمات افغان «وقتی نزد او هموطنان افغان اش برای کسب خدمات مراجعه می نمایند، او مجبوراً جواب رد می دهد، چون در شرایط به وجود آمده در برخی موارد امکان ارایه خدمات و کمک ها وجود نمیداشته باشد.»

الکساندر کوتس خبرنگار روزنامه «کمسومولسکایا پر اودا» که بلافاصله پس از آمدن «ط» به کابل به افغانستان سفر نموده بود در گفتگو با خبرنگار ما گفت:

«من ویژه داشتم، لیکن حین مواصلت به کابل، هیچ کسی به آن نظری نیافگند. در میدان هوایی کابل هیچگونه کنترول سرحدی به نظر نمی رسید. لیکن در وقت برآمدن از افغانستان، پولیس سرحدی در میدان حضور داشت، و این بار ویژه ام را کنترول کردند، چون مهر دخولی در پاسپورت ام وجود نداشت دیر زمانی نمی خواستند رهایم کنند.» به قول کوتس، ویژه را برایش در ظرف نیم روز به بهای تقریباً ۲۰۰۰۰۰ دلار امریکائی صادر کرده بودند.
« مستیسلاف چیرنوف، خبرنگار آژانس Associated Press از تجربه ای دیگری حکایت نمود:

«من از سمت پاکستان وارد افغانستان شدم. ویژه افغانستان را در اسلام آباد، در سفارت این کشور به دست آورده بودم. پروسه به دست آوردن ویژه افغانستان برایم به یک دردسر تمام عیار مبدل شده بود، ترتیب تمام اسناد مقتضی

یک ماه را در بر گرفت؛ لیکن وقتی به سرحد رسیدم هیچکس ویژه ام را ندید. «ط» در آن وقت هنوز فاقد امکانات کنترل سرحدی بودند. صرف پولیس سرحدی پاکستان حین خروج از حریم آنکشور ویژه ام را کنترل کرد. مشکل دیگر، به دست آوردن مجوز فعالیت خبرنگاری بود، که آنرا باید از وزارت اطلاعات گروه «ط» به دست میاوردم. قابل یادریست که این مقررات پیوسته در حال تغییر است.»

«ط» برنامه های آنرا که به چه ترتیبی اشخاص و افراد خود را داخل سفارتخانه ها نمایند، دارند. اما تطبیق آن در حال حاضر دور از امکان به نظر می رسد. حکومت «ط» هنوز به رسمیت شناخته نشده است. بناءً تا زمانی که اینکار صورت نگیرد، تعیین تکلیف سفارتخانه ها قبل از وقت به نظر می رسد. ذبیح الله مجاهد، سخنگوی «ط» چندی قبل در مصاحبه با آژانس خبر رسانی «تاس» در این باره نظر بلند و بالایی را ارایه داشته، گفته بود:

«در حال حاضر، مهم است که سفارت افغانستان در مسکو و سفارت روسیه در کابل به فعالیت های خود در رژیم عادی بپردازند، به دنبال آن، ما به تعویض ترکیب دیپلمات ها آغاز خواهیم کرد. آنچه از کارمندان که به وظایف شان طوریکه لازم است رسیدگی نمی کنند، فراخوانده خواهند شد.»

هرگاه نمایندگان گروه «ط» در عمارت شماره ۴۲، کوچه «پاورسکایا» مسکو مقیم شوند، این یک حادثه بسیار سمبولیک خواهد بود. در همین کوچه، در فاصله ۲۰۰ متری سفارت افغانستان، عمارت شماره ۱۶ موقعیت دارد، و آن ستره محکمه فدراسیون روسیه می باشد. بر بنیاد فیصله همین ارگان (ستره محکمه) گروه «ط» به حیث سازمان تروریستی اعلام شده است. این معلومات در سایت رسمی اداره امنیت فدرالی روسیه نیز قرار دارد.

سفرای بدون حکومت

آنچه با افغانستان رخ داد، البته که کمتر به میان میاید، لیکن در تاریخ روابط بین المللی بی سابقه نیست.

به طور مثال، در سال ۱۹۲۲ زمانی که کابل حاکمیت بلشویک ها را در روسیه به رسمیت شناخته بود، بسیاری از دیپلماتان روسیه از به رسمیت شناختن جدید در کشور خود شان ابا و ورزیدند، و به حکومت مؤقت روسیه متعهد باقی مانده بودند.

یکی از این دیپلماتان «دمیتری ابریکوسوف» نام داشت، او حین وقوع انقلاب اکتوبر به حیث سکرتر اول سفارت روسیه در جاپان کار می کرد. در سال ۱۹۱۸ وقتیکه ادیمرال (جنرال بحری) «الکساندر کالچاک» رهبری جنبش «سفیدها» (مخالفین بلشویک ها و طرفداران نظام تزاری) به جاپان آمد، دیپلماتان دوره تزاری ملاقات های او را با مقامات عالی رتبه نظامی جاپان سازماندهی نمودند.

از سال ۱۹۲۱ به اینسو، وقتیکه «واسیلی کروپینسکی» (سفیر آنوقت روسیه در جاپان) از مقام خود کنار رفته و برای زندگی بعدی رهسپار ایتالیا گردید، آقای «ابریکوسوف» سرپرستی سفارت روسیه را در توکیو به عهده گرفت. «ابریکوسوف» در این مقام الی سال ۱۹۲۵ باقی ماند، تا آنکه حکومت جاپان در همان سال اتحاد شوروی را به رسمیت شناخت. طی تمام این مدت دیپلمات «ابریکوسوف» به حمایت خود از بقایای «قشون سفید» (طرفداران نظام تزاری) که به مقاومت در برابر بلشویکها در حوزه سائیریا و پناه جویان روسی که به جاپان میامدند، ادامه داد. دمیتری ابریکوسوف در کتاب خاطرات خویش تحت عنوان: «سرنوشت دیپلمات روسی» در باره فعالیت های خود و همکاران خویش که در وضعیت مشابه قرار گرفتند حکایات دلچسپی دارد.

در کتاب خاطرات دمیتری ابریکوسوف از دو دو دیپلمات دیگر روسی به نام های گئورگی «باخمیتوف» و «بوربس باخمیتوف» نیز یاد آوری شده است. صرف نظر از شباهت نام خانوادگی این دو دیپلمات، آنها هیچگونه قرابتی با یک دیگر نداشتند. گئورگی باخمیتوف از سال ۱۹۱۱ الی ۱۹۱۷ به حیث سفیر روسیه در ایالات متحده امریکا کار می کرد. اما بلافاصله پس از برکناری «الکساندر دوم» امپراتور روسیه از تخت، او نیز به رضایت خود استعفاء داد.

به تعقیب آن، حکومت مؤقت شخص دیگری را به نام «بوربس باخمیتوف» به حیث سفیر روسیه به ایالات متحده امریکا اعزام داشت. اما بزودی، در سال ۱۹۲۱ بوربس باخمیتوف در امریکا رقیبی به نام «لودویگ مارتینیس» پیدا کرد. این شخص، (به طور غیر رسمی) نقش نماینده روسیه شوروی را در امریکا بازی می کرد. سرانجام بوربس باخمیتوف در سال ۱۹۲۲ موقف دیپلماتیک خود را از دست داد. بوربس باخمیتوف بعد از آن نیز به کمک و حمایت از پناه جویان روسی و مقاومت ضد بلشویکها به حیث یک فرد عادی ادامه می داد. بعدتر او کتاب را منتشر ساخت که در آن معلومات و اسناد همه جانبه را در باره پناه جویان روسی درج ساخت. کتاب مذکور اکنون به نام «آرشیف باخمیتوف» The Vakhmetov Archive مشهور است.

در صده بیستم، یک تعداد کشور های که قبلاً در ترکیب امپراتوری روسیه بودند، مانند: پولند، لاتویا، لیتوانیا، استونیا نیز در وضعیت مشابه قرار گرفتند.

وقایع که با پولند طی سالهای ۱۹۴۵-۱۹۳۹ رخ داد (این کشور گاهی تحت کنترل کامل آلمان و زمانی هم تحت تصرف شوروی درمیآمد) به حوادث که در افغانستان حین حاکمیت اول طالبان جریان داشت شباهت دارد. حکومت پولند در سال ۱۹۳۹ نخست به رومانیا، سپس به فرانسه و به تعقیب آن به انگلستان انتقال یافت. حکومت

شوروی موضعگیری خود را در قبال به رسمیت شناختن پولند بار ها تغییر داد. مسکو در سال ۱۹۳۹ باری حتی اعلام داشته بود که دولت پولند دیگر وجود ندارد، اما در سال ۱۹۴۱ پس از آنکه جرمنی بر پولند هجوم برد، مسکو مناسبات دیپلماتیک را با وارسا مجدداً احیا نمود.

حکومت در حال تبعید پولند در کشورهای مختلف سفارتخانه بود. هم خود حکومت در تبعید و هم سفارتخانه هایش، درست مانند افغانستان امروزی به کمبود شدید مالی و پولی مواجه بود. حکومت تبعیدی پولند که در لندن مستقر بود، عمدتاً از برکت قرضه های که انگلستان و تا حدی هم سائر متحدین به آن ارایه می داشت حیات خود را تأمین می نمود. پولندیها توانستند ذخیره طلا خویش را از وارسا بیرون سازند، لیکن طی سالهای ۱۹۴۰-۱۹۴۳ این ذخیره طلا را در الجزایر تحت کنترل فرانسه، توقیف نمودند و از استفاده پولندیها خارج شد.

طوریکه دیده می شود دارائی های افغانستان که از حکومت قبلی باقی مانده، در حال حاضر در بانکهای خارجی در انجماد قرار داشته و «ط» تلاش دارد جامعه جهانی را معتقد سازد تا پولها را به آن برگرداند.

منبع:

https://www.kommersant.ru/doc/5090824?from=glavnoe_1